

پدیده آشیانه خالی در انتظار شما

علیرضا کافی | نیره حسینی



موضوع کاهش نرخ جمعیت و میزان باروری و حرکت جامعه به سوی سالمندی از جمله مسائلی است که آثار آن تمام افراد را در هر سطحی تحت الشعاع قرار می‌دهد و در واقع مخاطب این موضوع شاید تمام افراد جامعه باشند. در یکی، دو سال اخیر کارشناسان دغدغه‌ها و تبعات پیری جمعیت و حرکت جامعه به سوی سالخوردگی را مطرح و خواهان بازنگری برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در سیاست‌های جمعیتی شده‌اند تا شاید قبل از این که خیلی دیر شود نسبت به تشویق خانواده‌ها به فرزندآوری تمهیداتی را در نظر بگیرند. در این بین آن چه نقش مهمی دارد، آگاهی افراد از ضرورت، حساسیت و اهمیت این موضوع است زیرا جدا از نمای کلی جامعه که نیاز به نیروی جوان دارد، نبود فرزند کافی در خانواده‌ها تأثیراتی را نیز بر روابط اعضای خانواده، شخصیت فرزندان و نیازهای عاطفی والدین در آینده خواهد داشت. برای واکاوی بیشتر این بحث به سراغ ۳ کارشناس رفته ایم و نظرات آنان را در ارتباط با تبعات کاهش نرخ جمعیت بر والدین و فرزندان جویا شدیم.

در ابتدا با دکتر الهیاری رئیس سازمان نظام روانشناسی و مشاوره به گفت‌وگو نشستیم.

*** متأسفانه فرهنگ کم‌فرزندی و حتی تک‌فرزندی در بین خانواده‌های ایرانی در حال نهادینه شدن است. خانواده‌های کم‌جمعیت و کم‌فرزند و کم‌شدن تعاملات خانوادگی و کوچک شدن شبکه تعاملات خانوادگی در خانواده‌های ایرانی چه تبعاتی می‌تواند برای کودکان فعلی و جوانان آینده در پی داشته باشد؟**

در موضوع خانواده‌های کم‌جمعیت اولین نکته‌ای که باید بررسی شود تأثیر کم‌جمعیتی بر روی فرزندان است. تحقیقات روانشناسی نشان می‌دهد که هدف از تربیت در خانواده رشد همه جانبه فرزندان است. به نحوی که کودک در تمامی ابعاد رشد کند و به تمامی ظرفیت‌های درونی خود برسد و استعدادهایش شکوفا شود. تحقیقات روانشناسی حکایت از این دارد که فرزندانانی که در خانواده‌های کم‌فرزند زندگی می‌کنند معمولاً از نظر رشد اجتماعی شخصیت دچار مشکل می‌شوند این در حالی است که کودک باید از جنبه‌های مختلف مانند عاطفی، شناختی، اجتماعی و اخلاقی رشد کند. نکته قابل توجه این است که فرزندانانی که در این قبیل خانواده‌ها رشد می‌کنند از پختگی اجتماعی کمتری برخوردارند.

*** منظور از رشد اجتماعی که به آن اشاره کردید چیست؟** توانمندی ابراز وجود توسط فرد از نظر روانشناسان رشد اجتماعی نامیده می‌شود. اینکه فرد بتواند با دیگران ارتباط برقرار کند و افکار، خواسته‌ها و دیدگاه‌هایش را بیان کند. فردی که رشد اجتماعی مناسبی داشته باشد می‌تواند انتقادات دیگران را به خوبی بشنود و اگر انتقادی به او هست به آن پاسخ دهد. پاسخی همراه با حفظ حرمت و کرامت دیگران. به عبارتی دیگر یعنی اینکه تفهیم و تفاهم متقابل بین او و طرف مقابلش وجود داشته باشد.

فرزندانانی که در خانواده‌های کم‌جمعیت با تعداد کمتری خواهر و برادر رشد می‌کنند معمولاً بعداً اجتماعی شخصیت‌شان کمتر رشد می‌کند و از نظر روانشناختی به صورت تک‌بعدی رشد می‌کنند. این افراد ممکن است از لحاظ هوشی در وضعیت بسیار خوبی باشند و حتی به مراتب بالایی علمی نیز برسند اما معمولاً از نظر اجتماعی دچار مشکل هستند. باید توجه داشت که رشد اجتماعی، رشدی اکتسابی است و از تعامل با همسن و سالان شکل می‌گیرد.

*** بر جمعیت بودن خانواده و تعداد زیاد خواهران و برادران چه تأثیری در شکل‌گیری بعد اجتماعی شخصیت فرد می‌تواند داشته باشد؟**

تجربه نشان داده ۷۰ درصد از شخصیت کودک در سال‌های

پیش از مدرسه شکل می‌گیرد و زمان اصلی رشد و تربیت کودک همان سال‌های اول زندگی است.

هر چقدر محیط خانواده غنی باشد و تعداد فرزندان بیشتر باشد، به لحاظ عاطفی و اخلاقی و اجتماعی کودک‌کان به دلیل ارتباط با هم رشد بهتری خواهند داشت. کودک باید در یک بستر طبیعی در کنار همسن و سالان به ویژه خواهر و برادران در این سن بیشتر باشد و پختگی و رشد کودک به صورت طبیعی پیشتر است.

هر چقدر محیط از لحاظ تعداد افراد غنی‌تر باشد، هم‌بازی‌ها بیشتر باشد، تعداد فامیل‌ها بیشتر باشد و با تعداد بیشتری از افراد رفت و آمد کنند رشد اجتماعی و پختگی افراد بیشتر خواهد بود. امروزه برخی دانشجویان در مقاطع فوق لیسانس و دکترین را داریم که به دلیل رشد اجتماعی پایین در جمع قدرت ابراز وجود و طرح ایده‌هایشان را ندارند.

متأسفانه مادر خانواده‌ها تمام امکانات را برای فرزندانمان فراهم می‌کنیم ولی در بعد اجتماعی شخصیت کودک کمترین سرمایه‌گذاری را داریم.

*** خانواده‌ها برای جلوگیری از بروز چنین مشکلاتی چه اقداماتی باید انجام دهند؟**

خانواده‌ها باید در هر شبانه‌روز جلسات گروهی برای بحث بر روی یک موضوع خاص داشته باشند و تمامی اعضای خانواده نسبت به این موضوع اظهار نظر کنند. متأسفانه چنین چیزی در خانواده‌های ما وجود ندارد. فرزندانانی که در خانواده‌های پر جمعیت تر زندگی می‌کنند پخته‌ترند و در مقابله با بحران‌هایی که به صورت طبیعی در مسیر زندگی‌شان رخ می‌دهد از پختگی اجتماعی و عاطفی بیشتری برخوردارند.

*** کودکانی که در خانواده‌های کم‌جمعیت به صورت فردی یا حداکثر یک یا دو خواهر یا برادر پرورش می‌یابند در آینده ممکن است با چه مشکلاتی مواجه شوند؟**

وقتی کودک رشد اجتماعی پایینی دارد در سال‌های بعدی زندگی نیز این ناپختگی را با خود خواهد داشت. اغلب این افراد در سنین نوجوانی و جوانی انسان‌هایی گوشه‌گیر هستند و ارتباط اجتماعی کمتری دارند. حتی قدرت ابراز وجود، قدرت ریسک و قدرت شکست‌پذیری را ندارند. این افراد معمولاً به دلیل نداشتن قدرت ریسک، قبل از شروع به کار، از ترس شکست در آن کار حتی اقدام به شروع آن نمی‌کنند.

این افراد در سن جوانی که می‌خواهند از دواج کنند به دلیل نداشتن پختگی اجتماعی به مشکل برمی‌خورند و حتی ممکن است پس از تشکیل خانواده نیز با مشکلات بسیاری روبه‌رو شوند. البته از نظر مافردی که به رشد اجتماعی مطلوب نرسیده است مجاز به تشکیل خانواده نیست و باید ابتدا بعد مهارت اجتماعی خود را رشد دهد و بعد از آن نسبت به تشکیل خانواده اقدام کند. حتی روانشناسان اقدام به نظر سنجی از تعداد زیادی افراد که سال کرده‌اند و از آنها این سوال را پرسیده‌اند که آیا از زندگی خود راضی هستید و اگر دوباره به شما فرصت زندگی داده شود چگونه زندگی خواهید کرد؟

بزرگسالانی که دوره کودکی، نوجوانی و جوانی غنی داشته‌اند و در اجتماع بزرگ خانوادگی زندگی می‌کرده‌اند به دلیل داشتن ارتباطات بیشتر و در نتیجه آن تجربیات بیشتر، پاسخشان تجربه زندگی قبلی‌شان بوده است. اما افرادی که از پختگی لازم برخوردار نبوده‌اند و در خانواده‌های کم‌جمعیت تر زندگی می‌کردند به دلیل داشتن آرزوها و خواسته‌های بسیار با تأسف از گذشته خود صحبت می‌کنند. اگر می‌خواهیم فردی سلامت روان داشته باشد باید کاری کنیم که این فرد از زندگی، تجربه‌ها، شغل و زندگی اجتماعی‌اش رضایت بیشتری داشته باشد. هر چقدر این احساس رضایت بیشتر باشد فرد از سلامت روان بیشتری برخوردار است. اما اگر فرد در یک محیط

خانوادگی محدود رشد کرده باشد قدرت ابراز وجود و خطر کردن را ندارد.

*** کم بودن تعداد فرزندان و خانواده‌های کم‌جمعیت چه مشکلاتی را در دوران سالمندی برای پدر و مادر به عنوان دورکن اصلی یک خانواده ممکن است ایجاد کند؟**

شبکه خانوادگی یک شبکه در هم تنیده است. به همین دلیل است که در مباحث روانشناسی توجه ویژه‌ای به روانشناسی اجتماعی شده است. در بحث روانشناسی باید اجتماعی بحث کرد یعنی اگر در خانواده پختگی اجتماعی فرزندان خانواده دچار آسیب شود بی‌شک باید گفت پدر و مادر آن کودک‌کان نیز به همان آسیب‌هایی که فرزندان مبتلا هستند گرفتارند. برعکس آن هر چه محیط غنی‌تر باشد پدر و مادر هم از نشاط بیشتری برخوردارند. خلا عاطفی موجود در خانواده‌های کم‌فرزند به مراتب بیشتر از خانواده‌های پر فرزند است. وقتی پدر و مادری تنها به یک یا دو فرزند اکتفا کرده‌اند وقتی در طول زندگی یکی از فرزندان‌شان آسیب ببیند و حتی از بین برود، پدر و مادر دچار ضربه‌های مهلک روانی می‌شوند اما در خانواده‌های پر فرزند در صورتی که یکی از فرزندان دچار مشکل شود پدر و مادر تا حدی می‌توانند با داغ فرزندان‌شان سازگاری پیدا کنند و در کنار سایر فرزندان از آن مشکل عبور کنند. حتی اگر بخواهیم بعد منفی قضیه را ببینیم و نگاهی مثبت گرایانه به موضوع داشته باشیم به پدیده آشیانه خالی بر می‌خوریم. در یک خانواده کم‌فرزند وقتی فرزندان از دواج می‌کنند پدر و مادر به دلیل خالی شدن ناگهانی محیط خانواده احساس خلاء، یاس و ناامیدی می‌کنند. اما در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان زیاد است این خلاء احساس نمی‌شود. چون وقتی یکی از فرزندان از دواج می‌کند دیگر فرزندان هنوز در محیط خانواده هستند و بعد از چند سال فرزند اول با فرزندانش به محیط خانوادگی اضافه می‌شوند. لازم است بر روی نکته‌ای تأکید کنم که هیچ چیزی نمی‌تواند جایگزین شبکه اجتماعی گسترده خانوادگی شود. امروزه تجربه خانواده‌های کم‌جمعیت و هسته‌ای در دنیای غرب تجربه‌ای شکست خورده است و اعضای این خانواده‌ها به مشکلات عدیده عاطفی و روانشناختی دچار شده‌اند و روانشناسان این جوامع برای حل این مشکلات با چالش مواجه‌اند.

ممکن است جوامع غربی از امکانات مادی و رفاهی بیشتری نسبت به جوامع و خانواده‌های پر تعداد شرقی برخوردار باشند اما واقعیت این است که احساس ناامیدی و یاس در جوامع غربی به مراتب بیشتر از جوامع پر جمعیت شرقی است. صحبت ما این است که مشکلات جمعیتی که زنگ خطر آن به صدا درآمده است جامعه را در آینده از لحاظ روانشناختی با مشکلات عدیده‌ای مواجه خواهد کرد. زندگی طبیعی یعنی اینکه در تمامی نسل‌ها ترتیب جمعیتی حفظ شود. اگر هرم جمعیتی دچار تغییر شود جامعه دچار مشکل می‌شود.

در یک خانواده کم‌فرزند وقتی فرزندان از دواج می‌کنند پدر و مادر به دلیل خالی شدن ناگهانی محیط خانواده احساس خلاء، یاس و ناامیدی می‌کنند. اما در خانواده‌هایی که تعداد فرزندان زیاد است این خلاء احساس نمی‌شود.